

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۰۶ سپتمبر ۲۰۲۳

نسیم اسیر
ارسالی: سلیم سالم

کابل زیبا

اگر در کابل زیبا دگر بارم گذر افتد
ز شکر این سعادت در دهان من شکر افتد
به جان رفته از چنگم، دمد روح دل انگیزی
بچشم داده از کف روشنی، گُل البصر افتد
به یاد خاطرات کودکی و نو جوانی ها
سر تعظیم خم سازم به هر جا تا نظر افتد
ز کوه آسمائی تا به کوه شیر دروازه
ز فرط اشتیاقم ره به هر کوه و کمر افتد
قسم به شیر مادر، جوی شیرم یاد می آید
چه خوش بختی اگر چشمم به آن زیبا اثر افتد
گهی در شهر نو، گاهی به شهر کهنه بشتابم
سراغ از «سنگراشی» جانب هندوگذر افتد «۱»
به شور و شرچو بینم جمع و جوش شور بازارش
روم سوی خرابات و به دل شور دگر افتد
ز شا طاووس و از بالاحصار و خضر و پنجه شاه
ز کوه «کاسه بُرجم» لرزه بر اندام در افتد
گر از «دروازه لآوری» روم سوی ریکاخانه
بهر پیچ و خم آن کوچه یاری در نظر افتد «۲»

گه از باغ علی مردان، قدم سوی چمن مانم
گه از راه چمن در زنده بانانم گذر افتد
رواق عید گاهم می دهد یاد « امان الله »
که از نامش به جان دشمنان دون شررافتد
سرچوک وطن از گرمجوشی چوک خواهد بود
ازان در گاه فروشی هم گزار مختصر افتد
پل خشتی که با هر سنگ و خشتش آشنائیهاست
زنم خشتی بسر، گر خشت اوکم از شمرافتد «۳»
سرای «شازده» مصروف دلالی و صرافیبست
درانجا هرکه را راهست در کف سیم و زرافتد
پل باغ عمومی ره به سوی مندوی دارد
اگر غافل شود کس، کار و بارش در خطر افتد
ز شرق و غرب کابل کوچه ها را نام بسیار است
که هرچه بیشتر گویی به یادت بیشتر افتد
«اسیر» این آرزو از حد فزون گردیده در جانم
چه موزونست اگر روزی به آنسویم سفر افتد
به من گفتند اثر از آنهمه خوبی نمی یابی
چه درد آور اگر این آرزویم بی ثمرافتد

«۱» گذر سنگ تراشی

«۲» دروازه لاهوری

«۳» منظور از شمردن است

م. نسیم «اسیر»

اکتوبر ۲۰۰۹ فرانکفوت